توصیف معرفتی از موت در تعبیر «ولكل ذي رمق قوت، ولكل حبة آكل، وأنتم قوت الموت»

در این خطبه هم حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «انتم قوت الموت». جملات بعدی را هم بگویم. در این خطبه ما جملات بعدی خیلی عجیب است. حضرت علیه السلام جملاتی می‌گویند که دو پهلو است:

> **أيّها النّاس إنّه من مشى على وجه الأرض فإنّه يصير إلى بطنها ، والليل والنهار مسرعان في هدم الأعمار ، ولكل ذي رمق قوت ، ولكل حبة آكل ، وأنتم قوت الموت ، وإن من عرف الأيام لم يغفل عن الاستعداد ، لن ينجو من الموت غني بماله ولا فقير لاقلاله»[1].**

«أيها الناس»؛ اینها تمام موعظه است. دنبالش را ببینید. **«إنّه من مشى على وجه الأرض فإنّه يصير إلى بطنها ، والليل والنهار مسرعان في هدم الأعمار، ولكل ذي رمق قوت، ولكل حبة آكل، وأنتم قوت الموت»؛** «انتم قوت الموت» جمله‌ای است که ظاهرش موعظه است، یعنی ظاهر ادبیاتش نصیحت است، اما باطنش همان مطالب مهم است. شما خوراک مرگ هستید. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «و لكل ذي رمق قوت»؛ رمق، آن چیز کمی از حیات است که مانده؛ می‌گویند بقاء الروح. یک چیز کمی است. اینکه می‌گویند به اندازه سد رمق بخورد، یعنی همین اندازه زنده باشد. حتی چون «ارمق» به‌معنای نگاه کردن است، یک احتمال در ذهنم هست که ماده «رمق»، یعنی همین اندازه که بتواند نگاه کند. اینکه می‌گویند یک رمقی در او مانده است، یعنی می‌تواند نگاه کند. حضرت علیه السلام، راجع به مراحل محتضر فرمودند. فرمودند اول زبانش از کار می‌افتد. بعد گوشش از کار می‌افتد. یعنی توانی که بدن برای استماع و سماع نیاز دارد، نیروی بیشتری می‌برد نسبت به چشم. بعد گوش از کار می‌افتد و این قدر ضعف مستولی می‌شود. فرمودند گوشش نمی‌فهمد که اطرافیانش چه می‌گویند اما چشمش، هنوز اطرافیان را می‌بیند. من احتمال می‌دهم که ریشه رمق این باشد. چون «ارمق ببصره» یعنی همین اندازه بتواند یک نگاهی کند. یک رمقی در او مانده یعنی می‌تواند نگاه کند.

شاید چند بار دیگر خدمت شما عرض کرده‌ام. زمانی یک بیماری برای بنده پیش آمد، مریضی عجیب و غریبی بود؛ تمام توان مثل من طلبه تمام شد. لحظه‌ای که در بستر خوابیده بودم را یادم

هست. توان نگاه کردن کسی که جلوی من می‌آمد را نداشتم. خیلی عجیب است. تا آدم نرسد، نمی فهمد. آدم وقتی چشمش باز هست که می‌بیند! در مریضی با اینکه چشمم باز بود اما اصلاً توان دیدن نداشتم. لذا آن روز برای من واضح شد که نگاه کردن نیروی می‌خواهد. یعنی شما باید نیرو صرف کنید تا ببینید. اگر آن نیرو را نداشته باشید، چشم باز است و نور هم موجود است، اما نمی‌توانید، ببینید. چشم باید سالم بفرستد. حضرت سید الشهداء علیه السلام فرمودند:

«كالبصر من العين»[2].

شاگرد: می‌توان گفت که رمق از نگاه گرفته شده است؟

استاد: ممکن است. ان شاء اللّه در جلسه بعد، مطلب را پی خواهیم گرفت.

اما «قوت» چیست؟ غذا است. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «ولكل ذي رمق قوت»؛ هر چیزی بخواهد یک ذره توان داشته باشد، غذا می‌خواهد. «ولكل حبة آكل»؛ هر آکلی یک غذا می‌خواهد و هر ماکولی هم ماکول یک آکلی قرار می‌گیرد. «وأنتم قوت الموت»؛ شماها هم خوراک مرگ هستید. این یعنی چه؟ ظاهرش یک تعبیر کنایی و استعاره است. یعنی مرگ هم شما را می‌خورد. یعنی عمرتان کم می‌شود، «لفي خسر»؛ هر روزی که از عمرتان می‌گذرد، دیگر رفته است. اینها تعبیرات موعظه‌ای و اخلاقی استعاره‌ای است. اما آیا منحصر در این است یا خیر؟؛ شما خوراک مرگ هستید. شما قوت مرگ هستید. آیا صرفاً استعاره است یا می‌توان معنای دیگری داشته باشد؟

و الحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. شيخ صدوق، التوّحيد، ج 1، ص 74.

[2] همان، ج 1، ص 91؛ «(ولم يولد) لم يتولد من شيء ولم يخرج من شيء كما يخرج الأشياء الكثيفة من عناصرها كالشيء من الشيء والدابة من الدابة والنبات من الأرض والماء من الينابيع والثمار من الأشجار ، ولا كما يخرج الأشياء اللطيفة من مراكزها كالبصر من العين».

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 15:23:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 11:24:57 توسط ... .